

نقش تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات انسان از منظر آموزه‌های قرآنی

لیلا زمانی کوخالو*

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۴

مژگان سپاه منصور**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۳

خدیجه ابوالمعالی***

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش مؤثر تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت انسان از منظر آموزه‌های قرآنی است. یکی از مباحث مهم بر تجلی کمالات شخصیت انسان در نظام آموزشی کشور، نقش مؤثر تربیت شایستگی‌های اخلاقی است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی متغیرهای این پژوهش می‌پردازد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کمالات شخصیتی از منظر آموزه‌های قرآنی محصور به کرامت ذاتی نمی‌شود و آدمی می‌تواند با تقرب به خدا و پرهیزکاری بر آن بیفزاید و ارزش متعالی‌تری کسب کند و این ارزش، ارزش اکتسابی است؛ اما بنا بر آیات و روایات، مبنای رفتار ما با دیگران حسن اخلاق و حفظ کرامت ذاتی آن‌هاست. پای‌بندی به مبانی تربیت ارزش‌های اخلاقی به معنی امکانات، ضرورت‌ها و موقعیت حیات انسانی در حوزه تربیت است و شیوه‌ها به معنای راهکارها و پیش‌فرض‌هایی است که با توجه به مبانی، برای رسیدن به اهداف عالی اتخاذ می‌نماییم.

کلیدواژه‌گان: آموزش، حسن اخلاق، حفظ کرامت، تربیت.

* دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

drsepahmansour@yahoo.com

*** دانشیار، گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

نویسنده مسئول: مژگان سپاه منصور

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی انسان به عنوان موجودی پرسشگر و جویای معرفت، در همه دوره‌های تاریخی و گستره حیات فردی و اجتماعی، شناخت ماهیت انسان، نیازها، عوامل سعادت و تربیت خود(انسان کامل) است. بی‌تردید یکی از اهداف تربیت، ساختن انسان، جامعه و تمدن انسانی خوب است. این امر به روشنی در تعریف شخصیت انسان متربی آشکار است. متربی، انسان نیکویی است که علم را می‌آموزد تا در راه خیر به کار گیرد. مربی و متربی باید از ابتدای کار این نکته را در نظر بگیرند. تعادل قوا در انسان، به تعادل نیروها و استعدادهای جسمی اختصاص ندارد، بلکه همه شخصیت انسان، یعنی تعادل جسم و روح را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر، شخصیت به هنجار، از نظر اسلام شخصیتی است که جسم و روح در آن، متعادل باشد و نیازهای هر کدام به طور متعادل ارضا شود. انسانی که دارای شخصیت بهنجار است، به جسم و سلامت و نیرومندی آن اهمیت می‌دهد و نیازهای آن را در حدودی که عقل و شرع اجازه می‌دهد، برآورده می‌سازد و در عین حال، نیازمندی‌های روحی، مانند ایمان به خدا، ایثار، گذشت، فضیلت، تقوا و رحم را نیز تأمین می‌کند و از کارهایی که خلاف عقل و فطرت است، مانند جهل، غرور، ستم، تنبلی، بیکاری، اعتیاد به مواد مخدر، آزار رساندن به دیگران و کارهایی که خداوند از آن‌ها نهی کرده، اجتناب می‌ورزد(عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۶۲). اصول تربیتی هر دیدگاهی از مبانی تربیتی آن نشأت می‌گیرد و روش‌ها و فنون خاص تربیتی خود را به دنبال خواهد داشت. نیل به سعادت حقیقی، بدون داشتن «آموزش و تربیت ارزش‌های اخلاقی و زندگی سالم جهت رشد و تکامل انسان» امکانپذیر نیست. آنچه امروز به آن نیازمندیم، دانستن اهمیت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق سیاستگذاران آموزشی و فرهنگی برای رسیدن به این هدف است. اصول و روش‌های تربیت ارزش‌های اخلاقی، به گونه‌ای در قرآن کریم مطرح شده است که می‌تواند عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان را سامان بخشد و راهگشای تمامی مسائل و مشکلات روحی و روانی او باشد.

بی‌تردید از جمله مسائلی که در قرآن کریم در خصوص آن بحث شده است، مسائل مربوط به کمال شخصیت انسان و راه‌های رشد و تعالی وی است. اولین کسی که در

مورد انسان، تعبیر انسان کامل را مطرح کرد، محی‌الدین عربی، عارف معروف است (مطهری، ۱۳۸۲ش، ۲۰). عالمان دینی، روان‌شناسان، مربیان علم اخلاق برای بررسی علمی تجلی کمالات شخصیت انسان و راه‌های رسیدن به آن بسیار کوشیده‌اند.

مطالب ارزشمندی نیز در معارف جامع و گرانبهایی در خصوص تکامل انسان و سعادت او بیان شده است. بی‌شک خداوند متعال این ظرفیت را در معارف آسمانی قرار داده است که انسان‌ها بتوانند با التزام به آن‌ها نیازهای خود را رفع نمایند و به کمال و بالندگی برسند (مطهری، ۱۳۸۲ش: ۳). مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی بر محور مؤلفه‌های معرفتی و اخلاقی متمرکز است. باورهای معرفتی و ارزش‌های اخلاقی از اساسی‌ترین عوامل در تکامل شخصیت انسان است. وجود تربیت ارزش‌های اخلاقی و اصول و مهارت‌های ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت انسان در جامعه امری لازم و ملزوم است. حال در این برهه زمانی نظام خانواده و مدرسه از نظر ارزش‌ها و سبک زندگی با چالش‌های بزرگی روبه‌رو هستند. آموزش مفاهیم دینی دیگر مانند گذشته موجب مصون‌سازی افراد در برابر هجوم رسانه‌های بیگانه نمی‌گردد. از مهم‌ترین راهکارهای تربیتی آموزه‌های قرآنی تأکید بر حفظ اصول و تربیت ارزش‌های اخلاقی به ویژه در ارتباط با دیگران و خود فرد است. با بررسی اسناد و مدارک قرآنی از مهم‌ترین این اصول در حفظ انسجام شخصیت فرد و اجتماع است که محقق به بررسی نقش مؤثر تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت از منظر آموزه‌های قرآنی می‌پردازد.

اندیشمندان و پژوهشگران علوم رفتاری در طول تاریخ به دنبال یافتن مبدأ، انگیزه و محرک بوده‌اند که آدمی را به عمل و ارزش اخلاقی وا می‌دارد. سقراط به عنوان یکی از قدیمی‌ترین اندیشمندان علم اخلاق، منشأ نگرشی به بعد اخلاقی انسان را آگاهی و معرفت می‌دانست و معتقد بود که اگر انسان خوبی و بدی را به درستی بشناسد، هرگز مرتکب بد اخلاقی نمی‌شود. بعدها/رسطو به این نظر به دیده تردید نگریست و بیان نمود که علم به تنهایی نمی‌تواند منشأ تربیت ارزش‌های اخلاقی واقع شود و بسیاری از افراد با اینکه خوب و بد را می‌شناسند، در عمل ممکن است به دانسته‌های خود پای‌بند نباشند. لذا پای مباحثی چون اراده و امیال را به بحث ارزش‌های تربیت اخلاقی باز نمود. هیوم امیال را ریشه تمام کارها و از جمله اعمال اخلاقی یا غیر اخلاقی دانست (توماس،

ترجمه منصور نصیری، ۱۳۸۴ش: ۳۰). امروزه نیز بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان اخلاق معتقدند که شناخت و معرفت اخلاقی، گرچه می‌تواند توجیه‌کننده عمل اخلاقی باشد، اما برای برانگیختن افراد برای انجام رفتار اخلاقی کافی نیست. برخی تحقیقات میدانی نیز از این نظر حمایت می‌کنند و نشان می‌دهند که علم به ارزش‌های اخلاقی، پای‌بندی به عمل اخلاقی را تضمین نمی‌کند (بلزی، ۱۹۸۰م؛ توما، ۱۹۹۴م؛ اسماعیلی، ۱۳۷۹ش؛ طالبی، ۱۳۸۰ش؛ بیات، ۱۳۷۲ش).

در نظریات جدیدتر، نادینگز (۱۹۹۲ و ۱۹۹۵)، حس همدردی یا همدلی را به عنوان اساس عملکرد اخلاق با تأکید بر آموزه‌های قرآنی را مورد تأکید ویژه قرار داده است. تحریک همدلی، تعلقات اخلاقی و تعهد به اصول اخلاقی یا استانداردهای شخصیتی انسان سالم در مورد درست و نادرست بودن عملکرد رفتاری افراد است. بدین ترتیب، اندیشمندان علم اخلاق و پژوهشگران علوم تربیتی در سراسر جهان در پی دستیابی به مؤثرترین نقش تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت انسان‌اند؛ اما به رغم نظریه‌پردازی‌های گوناگون، هنوز کاستی‌ها و نواقص زیادی در این مورد وجود دارد و تربیت ارزش‌های اخلاقی همچنان با مسأله ضعف الگوی تربیت ارزش‌های اخلاقی متریبان دست به گریبان‌اند. به نظر می‌رسد که تکاپوی فکری بشر در این زمینه آنگونه که باید، مثمر ثمر واقع نشده است و به ویژه در فضای جهان‌بینی اسلامی امید می‌رود که بتوان در پرتوی بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی پاسخ بهتری برای این مسأله یافت.

در متون و آموزه‌های قرآنی اجمالاً به این مطلب اشاره دارند که در بسیاری از اوقات، افراد ممکن است به رغم داشتن معرفت، بر خلاف علم خود عمل کنند. مانند: ﴿وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾ (نمل/۱۴) و ﴿وَآتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخْ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾ (اعراف/۱۷۵). به نظر می‌رسد در فاصله میان علم تا عمل در تربیت ارزش‌های اخلاقی عوامل دیگری نیز تأثیرگذار باشند. در جهان‌بینی دینی، خداوند متعال به عنوان خالق و مربی بشر به بهترین وجهی ساختارها و ویژگی‌های روحی روانی انسان را می‌شناسد و می‌تواند او را به اخلاق ورزی برانگیزد. در پژوهش‌هایی که تا کنون در این ارتباط انجام شده است، تربیت دینی می‌تواند کلیدی‌ترین نقش را در توسعه معنوی و کمال جامعه دینی ایفا کند و هرگونه کاستی در آن موجب بروز نابهنجاری در

پرورش نسل جدید جامعه میشود(روزبه، نادری، سیف نراقی، ۱۳۹۸). عمدتاً سه عامل تحسین اجتماع، ثواب و عقاب اخروی و محبت الهی (مهدوی نژاد، ۱۳۹۱) یا فطریات شناختی، خداگرایی و کمال‌گرایی انسان(رزاقی، ۱۳۷۷ش) به عنوان منابع اصلی تبیین نقش مؤثر تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت از منظر آموزه‌های قرآنی معرفی شده‌اند. می‌توان با بررسی دقیق‌تر احادیث و متون علمی، به ساختار نظام‌مندی از نقش مؤثر تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت انسان از منظر آموزه‌های قرآنی دست‌یافت. این پژوهش در همین راستا انجام‌گرفته است.

پیشینه پژوهش

سابقه علمی این پژوهش از یک منظر به آیات قرآن و روایت معصومین باز می‌گردد و دسته‌بندی‌های صورت گرفته در کتب قرآن، تفسیر «المیزان» و اخلاق اسلامی می‌تواند از جمله پیشینه‌های علمی این پژوهش قلمداد گردد. در این راستا پژوهشگر بررسی نموده تا کنون پژوهش‌های مستقلی نیز پیرامون ارزش‌های اخلاقی بر کمالات شخصیت انسان انجام گرفته است و مهم‌ترین آن‌ها کتاب اخلاق عملی نوشته کتب اخلاق عملی نوشته عالمان و عارفان دینی و مقالات مرتبط با مضامین مرتبط با پژوهش به شرح ذیل جمع‌آوری شده است. در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، تحقیقات متعددی انجام شده است. *مینا شمخی* در پژوهشی با عنوان «تأثیر تربیت قرآنی بر تبلور کمال انسانی» نقش تربیت قرآنی بر تبلور کمال انسانی را بررسی کرده است (شمخی، ۱۳۹۴). *علی پور و نیک صفت* در پژوهشی با عنوان «روان‌شناسی کمال قرآن» درباره مفهوم روان‌شناختی کمال و از دیدگاه روان‌شناسی و قرآن را مورد بررسی قرار داد(علیپور و نیک صفت، ۱۳۹۰). برخی ناظر بر کمال شخصیت بوده و برخی با وجود پرداخت گسترده به کمال انسان و توسعه معنایی آن را در روایات به میزان کافی دسته‌بندی ننموده است. بنابراین پژوهشگر در این راستا علاوه بر جمع‌آوری و دسته‌بندی مجدد مجموعه‌ای از آیات و روایات مطالب توجه متناسب به شرایط تاریخی مورد نظر بوده تا گزارشی جامع و دقیق‌تر از منظر آموزه‌های قرآنی صورت پذیرد. هرچند پژوهشگران مدعی احصای کامل مطالب باقی مانده نیستند.

تبیین مفاهیم

الف. شخصیت

معنای لغوی: شخصیت، مجموعه ویژگی‌های جسمی، عادات، تمایلات، حالات، احساسات، افکار و رفتارهایی است که به صورت نسبتاً پایدار در انسان وجود دارد (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ۱۴۱۸۳/۹) و از نظر دهخدا، هویت واحدی که به من تعبیر می‌شود و در طول زمان با وجود تغییرات جسمی و روحی و فکری، باز هم همان من باقی می‌ماند، از دیگران متمایز است و شخصیت او وحدت دارد و منشأ صدور آثار متعدد است (همان).

معنای اصطلاحی: اسلام نیز به عنوان دین آسمانی و خاتم ادیان، از انسان و شخصیت انسانی دارای تعریفی است و این تعریف ناظر به جهان بینی و غایتی است که از انسان و شخصیت سالم انتظار دارد. شخصیت در قرآن به شاکله تعبیر شده است: ﴿قُلْ كَلَّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾ (اسراء/ ۸۴)؛ «بگو: هر کس طبق روش و خلق و خوی خود عمل می‌کند». چنانکه به معنای صورت، هیأت، مثل، عادت، طبیعت، مذهب، نیت، خوی و راه و روش گفته‌اند (راغب، اصفهانی، ۱۴۷۲: ۴۶۲). مفسران گفته‌اند: شاکله، سنجیه و خلق و خویی است که انسان را وابسته و مقید کرده و انسان تحت تأثیر آن است (راغب، همان؛ طباطبایی، بی تا: ۱۹۴/۱۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۹؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۲۴۸/۱۲-۲۴۹). برخی از آن به شخصیت اکتسابی انسان یاد می‌کنند که از مجموعه غرایز و عوامل تربیتی و اجتماعی حاصل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش: ۱۸۸-۱۸۹).

ب. تربیت

واژه تربیت نیز در لغت از دو ریشه «ربو» و «ربب» اشتقاق یافته است؛ از ریشه «ربو» بیش‌تر ناظر به پرورش جسمی و به معنای افزودن و پروراندن، و از ریشه «ربب» بیش‌تر ناظر به پرورش روحی و معنوی و به معنای سرپرستی کردن، رهبری کردن و به اعتدال رساندن است (اعرافی، ۱۳۸۷ش: ۱۹). تربیت از نظر اندیشمندان و متخصصان تربیتی یعنی، فعالیتی منظم و تدریجی برای کشف استعدادها و از قوه به فعلیت رساندن آن‌هاست.

معنای اصطلاحی: از این رو، نیت انسان از اعتقادات او برمی‌خیزد، به عمل او شکل می‌دهد و اصولاً، خود نیت یک نوع شاکله، یعنی امر مقیدکننده است؛ لذا گاهی نیت را به خود عمل تفسیر فرمودند و گاه آن را برتر از عمل شناخته، زیرا به هر حال، خط عمل منشعب از خط نیت است (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۴۸/۱۲).

ج. تربیت اخلاق

معنای لغوی: اخلاق در اصل، واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. در لغت به معنای «سرشت و سچیّه» به کار رفته است؛ اعم از اینکه سچیّه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد مانند جوان‌مردی و دلیری، یا زشت و ناپسند باشد مثل فرومایگی و بزدلی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ش: ۱۹). در لغتنامه دهخدا آمده است: اخلاق «جمع خُلُق» و در لغت به معنای خوی‌هاست (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ج ۵: ۱۵۲۵). این شاخه از تربیت، با تربیت اخلاقی هم‌پوشی دارد. زیرا بسیاری از فضائل اخلاقی همان‌هایی هستند که در معاشرت و مراوده با هم‌نوعان موضوعیت پیدا می‌کنند و جنبه اجتماعی دارند. از این رو تربیت اجتماعی پیوند وثیق و دقیقی با تربیت اخلاقی دارد. در عین حال به منظور توجه به همه زوایای بحث و عدم غفلت از هر کدام و نیز با مراعات حیثیت بحث، به تربیت اخلاق اجتماعی در اینجا نیز می‌پردازیم. تربیت اخلاق اجتماعی عبارت است از مجموعه فعالیت‌های نظام‌مند مربیان برای رشد فضائل اخلاقی ضروری برای حیات اجتماعی و حضور کریمانه متربی در جامعه.

معنای اصطلاحی: بنابراین، «تربیت اخلاقی» به معنای چگونگی بکارگیری و پرورش استعداد‌های درونی انسان جهت رشد و تثبیت صفات پسندیده اخلاقی (شکوفای کردن ظرفیت‌های اخلاقی) به منظور انجام رفتارهای پسندیده اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است؛ به طوری که این ویژگی‌ها برای انسان به صورت ملکه درآید (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰ ش: ۱۹). موضوع تربیت ارزش‌های اخلاقی، نفس انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می‌شود (طوسی، ۱۴۱۳ ق: ۴۸).

هدف تربیت اخلاقی، پرورش استعداد‌های درونی انسان برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی است. از دیدگاه علامه طباطبائی، هدف تربیت اخلاقی،

رسیدن به توحید در زمینه اعتقاد و عمل است. بنابراین، تربیت اخلاقی باید به عبودیت الهی بینجامد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۵۷). علامه طباطبایی معتقد است این هدف و این روش، مخصوص قرآن است (در مقابل گروهی که هدف را تأمین قوانین اجتماعی یا عرف جامعه می‌دانند یا پیروان ادیان الهی که هدف را رسیدن به نعمت‌های اخروی و دوری از عذاب می‌دانند (همو، ۱۳۷۴: ۳۵۵ و ۳۵۶)).

از این روی، برای شناسایی مبانی تربیت ارزش‌های اخلاقی قرآن، باید ساحت‌های گوناگون انسان‌شناسی از نظر قرآن بررسی شود. باید رابطه انسان با خداوند، جهان هستی، خود و دیگران در نظر گرفته شود و در این راستا، به محدودیت‌ها، استعدادها و ضرورت‌های حیات انسانی توجه شود. نام دیگر «تربیت علمی»، «تعلیم» می‌باشد که در قرآن کریم و روایات از این اصطلاح استفاده شده است. لذا تعلیم، در برابر تربیت قرار ندارد، بلکه از اقسام و ابعاد تربیت است. در حقیقت، معلم و استاد در حال تربیت علمی دانش‌آموزان و دانشجویان خود هستند و استعداد علمی آنان را شکوفا می‌سازند. البته هر معلم و استادی متناسب با توانایی‌های علمی و عملی خود به این کار اقدام می‌کند. آن معلمی حقیقتاً در کار خود موفق است که با مهارت‌های لازم بتواند استعداد حقیقت‌طلبی و دانش‌جویی شاگردان خود را شکوفا کند و صرفاً به انباشت اطلاعات در متعلم نپردازد، تا متعلم بتواند، خود مسیر یادگیری و کسب علم را بیاماید، مهارت‌های یادگیری را به کار ببرد و مانند یک ماهی‌گیر ماهر، ماهی‌های علم را صید کند و چونان یک غواص زبردست از اقیانوس بیکران هستی، گوهرهای ناب حقیقت را استخراج نماید. البته غایت و هدف اصلی در تربیت علمی (به عنوان شاخه‌ای از تربیت دینی) شکوفایی فطرت، معرفت و ایمان به خداوند و انجام عمل صالح است؛ دانش‌های دیگر که برای رفع نیازهای زندگی مدنی و برپایی تمدن کسب می‌شود، جنبه مقدمه‌ای و ابزاری برای رسیدن به این غایت دارد. بنابراین آموختن، شرط اصلی زندگی است که به تفصیل توضیح داده خواهد شد. این بُعد تربیتی در پاسخ به استعداد فطری علمی و حس حقیقت‌جویی انسان است. روشن است که وقتی خداوند گرایش به حقیقت و طلب علم را در ساختار انسان به ودیعت نهاده و بذر دانش را در وجود وی قرار داده، تربیت این بذر و شکوفا کردن آن یکی از اهداف اصلی و محوری تربیت ارزش‌های اخلاقی به شمار

می‌رود. علاوه بر این هر رفتار صحیح و عمل صالح که بخواهد انسان انجام دهد، منوط به دانستن و علم به آن است. همچنین رفع نیازهای زندگی مانند غذا، لباس، مسکن، علاج بیماری‌ها و تأمین سلامتی و شکل‌دهی تمدن و حیات خانوادگی و اجتماعی نیازمند دانش‌های فراوانی است که در جریان تربیت علمی به دست می‌آید.

اهمیت و جایگاه تربیت ارزش‌های اخلاقی در قرآن

۱. رشد فضائل اخلاقی مرتبط با اجتماع، مانند عزت نفس، عادل بودن، عفو و گذشت، کمک به مظلوم، مهربانی با زیردستان، خوشرویی با مردم، مدارا با مردم، خیرخواهی، احسان و حسن‌ظن به مردم.

۲. تنظیم روابط اجتماعی با رویکرد اخلاق‌محوری در کنار قانون‌پذیری، به طوری که مراعات حقوق افراد و معاشرت پسندیده صرفاً به خاطر التزام و تعهد به قانون نباشد، بلکه به جهت ارزشمندی فضائل اخلاقی و دوست داشتن آن فضائل و علاقه به آراستگی به آن‌ها باشد تا به تدریج التزام اخلاقی بر التزام قانونی در نزد افراد اولویت پیدا کند.

۳. خود بزرگ‌بینی و احساس تفوق و برتری که موجب سلطه‌گری و محور قرار دادن هواهای نفسانی در مراودات اجتماعی، به خصوص در هنگام پذیرش مسئولیت‌ها و رسیدن به مقامات اجتماعی می‌شود، کاهش یابد و خطر سقوط در رذائل کم گردد.

۴. رابطه محبت‌آمیز در میان آحاد جامعه گسترش یابد، قلب‌ها به هم نزدیک شود و شور و نشاط بر جامعه حاکم شود. در نتیجه وحدت و انسجام اجتماعی زیاد شود و در جهت تبدیل شدن به بنیانی مرصوص که هدف قرآن کریم است، حرکت نماید.

۵. جرائم و تخلفات اخلاقی و اجتماعی و کینه‌توزی‌ها، بخل، حسد و تجاوز به حقوق دیگران به حداقل برسد.

آراستگی به صفات و رفتار اخلاقی برای افراد جامعه اهمیت زیادی دارد؛ زیرا «تقوا» به معنی «خودنگهداری»، «حفظ نفس»، «تسلط بر خود» و «پرواداری» است. این ملکه اخلاقی که مانند هر فضیلت دیگر، بذر آن در وجود انسان قرار دارد، به نفس در برابر باطل مصونیت می‌دهد و در برابر حق متواضع می‌کند. لذا اگر کسی اولین مرتبه تقوا را از دست داده باشد و انصاف و حق‌پذیری نداشته باشد، اساس هدایت‌پذیری را از دست

داده و پذیرای دعوت انبیای الهی و پیام‌های نجات‌بخش قرآن کریم نخواهد بود. از این رو، با اینکه قرآن کریم برای هدایت همه مردم فرستاده شده و مخاطب قرآن در ابتدای نزول، مشرکان بوده است، اما آن دسته از مشرکان به هدایت قرآن گوش فرا دادند که بهره‌مند از این تقوای اولیه بودند و این درجه از تقوا در قلب آنان به خاموشی نگراییده بود (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، بقره/۲). کسب مراتب عالی‌تر تقوا، سبب کسب مراتب عالی ایمان و عمل خواهد شد.

عوامل تأثیرگذار در تربیت ارزش‌های اخلاقی از منظر آموزه‌های قرآنی

هدایت‌متربی به اخلاق پسندیده و دوری از زشتی‌ها و رذائل، نیازمند به ایجاد انگیزه در متربی است. به عبارت دیگر، ترجیح عمل خیر و فضیلت بر عمل بد و رذیلت، علاوه بر گرایش فطری به خیر، نیازمند مرجح بیرونی از سنخ غایت و هدف نیز می‌باشد که فرد، به انگیزه رسیدن به آن غایت عمل خوب را بر بد ترجیح دهد. درست است که انسان به طور فطری عدل را دوست دارد و از ظلم متنفر است، و اگر در موقعیتی قرار بگیرد که هم می‌تواند ظلم کند و هم به عدل رفتار نماید، عدل را ترجیح می‌دهد؛ اما این عکس‌العمل در موقعیت‌هایی است که عدل و ظلم برای وی علی‌السویه باشند. اما در موقعیتی که اگر بخواهد عادلانه رفتار کند، باید خطری را نیز بپذیرد یا ثروتی را از دست بدهد، در اینجا صرفاً آن گرایش فطری کافی نیست. زیرا در این موقعیت، دو گرایش متقابل روبه‌روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و وی باید به یکی از این دو گرایش پاسخ منفی دهد: گرایش به حفظ جان یا عدل و گرایش به ثروت یا عدل؟ اینجاست که غایت و انگیزه بیرونی لازم است تا انسان عدل را بر ظلم ترجیح دهد و به عدل روی آورد. قرآن کریم، سه انگیزه برای تهذیب اخلاق و تربیت اخلاقی متربیان مطرح کرده و میزان کارایی و ارزشمندی هر کدام را مشخص نموده است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱).

انگیزه اول: غایات صالحه و درست دنیوی

منظور این است که انسان به انگیزه تشکیل یک زندگی سالم فردی و اجتماعی در دنیا، موازین اخلاقی را رعایت کند. مانند رعایت قناعت و دست به سوی مردم دراز

نکردن برای حفظ عزت خود میان مردم، کسب علم برای بدست آوردن و جاهت میان دیگران و شجاع بودن برای حفظ جان خود و خانواده از انسان‌های شرور. این انگیزه، اگر در همین حد باقی بماند و به انگیزه‌های بعدی ضمیمه نشود، همان انگیزه‌ای است که مبنای اخلاق سکولار قرار گرفته و نمی‌تواند مستحسن تلقی شود. زیرا تشخیص غایت واقعی انسان به اشتباه افتاده و حیات انسان را محدود به همین زندگی دنیایی کرده است.

البته قرآن کریم از این قبیل انگیزه‌ها برای رعایت اخلاق و عمل صالح استفاده کرده، اما این غایات را در طول غایات اخروی و حیات جاویدان قرار داده و نقص آن را برطرف کرده است. مثلاً خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

﴿وَلَا تَتَّزِعُوا عُقَابَكُمْ وَأَنْتُمْ مَخْفُوفُونَ﴾ (انفال/ ۴۶)

یا می‌فرماید:

﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (شوری/ ۴۳)

این انگیزه در سنین کودکی و نوجوانی کاربرد فراوانی دارد و باید مورد استفاده قرار بگیرد. زیرا در این انگیزه، آثار ملموس و عواقب مشخص و دنیایی عمل به تربی گوشزد می‌شود و چون هر انسانی به دنبال کسب منافع و دفع ضررهاست، تربی انگیزه اولی عمل به توصیه‌ها را پیدا می‌کند. البته چون این انگیزه متعالی و عمیق نیست، در حد معینی کارایی دارد و نمی‌تواند انگیزه تصمیم‌های بزرگ و متعالی باشد.

انگیزه دوم: پاداش و جزاهای اخروی

منظور این است که تربی را به انگیزه رسیدن به پاداش‌های جاودان اخروی و محفوظ ماندن از عذاب‌های آن به تهذیب و کسب فضائل اخلاقی دعوت کنیم. استفاده از این انگیزه در تهذیب نفس، هم با فطرت انسان سازگار است و هم مورد قبول دین مبین اسلام می‌باشد. زیرا: اولاً، با ویژگی بی‌نهایت‌طلب و جاودانگی نفس سازگار است و به آن پاسخ مثبت می‌دهد؛ ثانیاً، می‌تواند یک امیدواری قوی و فوق‌العاده در فرد پدید آورد؛ ثالثاً، در مواردی که انسان باید به خاطر رعایت اخلاق از یک منفعت دنیایی بزرگ بگذرد، کارایی دارد؛ رابعاً، گرچه در اینجا نیز نفس به دنبال نوعی معامله و تجارت است،

اما این معامله و تجارت را بر اساس دستور الهی و اطاعت از فرمان‌های او انجام می‌دهد و در دایره توحید عملی قرار دارد، گرچه در دایره مراتب عالی توحید قرار نمی‌گیرد. قرآن کریم و معصومین بزرگوار، با توجه به حال عامه مردم، بیش‌تر از همین انگیزه برای دعوت مردم به اخلاق فاضله و عمل خیر استفاده کرده است. به طور مثال، در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾ (توبه/۱۱۱)

در این آیه، برای گذشت از جان و مال در دنیا، پاداش اخروی وعده داده شده است. روشن است که هیچ منفعت دنیایی که مربوط به انگیزه اول است، نمی‌تواند برانگیزاننده فرد برای گذشت از جان باشد. اما انگیزه پاداش اخروی این توانایی را دارد که فرد را به سوی ایثار جان و شهادت در راه حق سوق دهد.

همچنین در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (زمر/۱۰)

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (ابراهیم/۲۲)

انگیزه سوم: تهذیب نفس و کسب ارزش‌های اخلاقی برای رضایت خداوند

این انگیزه منطبق بر هدف متعالی خلقت انسان و ساختار فطری وجود اوست. بنا بر مباحثی که در انسان‌شناسی آمده، غایت خلقت انسان، خودِ خداوند و تقرب و وصول به اوست. یعنی تکامل انسان، یک حرکت صعودی به سوی اوست. انسان در نهاد خود «او» را دوست دارد و «او» را می‌طلبد؛ «او» که همان زیبایی مطلق، حیات مطلق، قدرت مطلق و اوصاف جمالیه مطلق اوست.

تفاوت این انگیزه با دو انگیزه قبلی این است که در آن دو انگیزه، هدف، غیر خداست، گرچه در انگیزه اول، می‌تواند با اطاعت از خداوند صورت بگیرد یا بدون اطاعت از خداوند باشد و در انگیزه دوم با اطاعت از خداوند انجام می‌پذیرد. اما در انگیزه سوم غیر خدا حضور ندارد، یعنی هم غایت خداوند است و هم فرمان‌دهنده اوست. علامه طباطبایی (ره) در تبیین این انگیزه می‌فرماید: «هر عملی که انسان برای غیر خدا انجام می‌دهد، الا و

لابد منظوری از آن عمل دارد و انگیزه‌ای پشت سر آن است. انسان آن عمل را انجام می‌دهد یا برای اینکه در آن عزتی سراغ دارد که می‌خواهد به دست آورد، یا از نیرویی می‌ترسد که می‌خواهد آن را دفع کند. در حالی که عزت منحصر در خداست ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (یونس/۶۵) و همه‌ی نیروها نیز از آن اوست ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (بقره/۱۶۵).

حال کسی که به این دین ایمان دارد، دیگر در دلش جایی برای ریا و سمعه و ترس از غیر خدا و امید به غیر خدا و اعتماد به غیر خدا باقی نمی‌ماند و به راستی اگر این دو حقیقت برای کسی روشن شود و علم یقینی بدان داشته باشد، تمام پستی‌ها و بدی‌ها از دلش شسته می‌شود و این دو قضیه، دل او را به زبور فضائل می‌آراید، فضائلی چون تقوای بالله، عزت بالله و غیر آن از مناعت طبع، کبریاء، غنای نفس و هیبتی الهی و ربانی (طباطبایی، ۱۳۷۴ به نقل از مباحثی و همکاران، ۱۳۹۸).

معرف‌های تجلی کمالات شخصیت انسان

در تجزیه و تحلیل پیچیدگی‌های وجود و رفتار انسانی و نیز در کاوش پیرامون کیفیت ارتباط میان ابعاد وجودی انسان و اراده او می‌توان نتیجه گرفت که گرچه اراده بر تمامی ابعاد و امور وجودی انسان حاکم است و امور انسانی متأثر از آن هستند، لکن این تأثیر و تأثر نیز یکسان و همگون نیست، بلکه میان اراده با قلب و ذهن در مقایسه با جسم، پیوند و ارتباطی قوی‌تر و بیش‌تر برقرار است و بر عکس تأثیر امور قلبی و ذهنی بر اراده فراگیرتر و تأثیر امور جسمی و حسی بر آن کم‌تر و محدودتر است. به همین ترتیب میان اراده با قلب در مقایسه با ذهن پیوند و ارتباطی قوی‌تر و بیش‌تر برقرار است و بر عکس تأثیر امور قلبی بر اراده فراگیرتر از تأثیر امور ذهنی بر آن است.

بر این اساس تغییرات قلب پیش از آنکه تکوین و قوانین ثابت طبیعی باشد، از تحولات ارادی انسان متأثر می‌شود و در مقابل بیش از سایر امور تحقق اراده‌های نو را تسهیل و یا تضییق می‌نماید. پس از تغییرات قلبی، این نقش را تغییرات ذهنی بر عهده دارند و در خدمت تأثیر و تأثرات قلبی قرار گرفته، زمینه حصول و تحقق یا مانع جریان اراده می‌شوند. در مقابل، جسم و قوای حسی، نوعاً منطبق بر نظام تکوین و هماهنگ با قوانین طبیعی تغییر نموده و این تغییرات به میزانی بسیار محدودتر نسبت به امور قلبی

و ذهنی، از اراده متأثر می‌شوند و به همین نحو وسیله و ابزاری ساده‌تر یا مانعی جزئی‌تر در جریان عینی اراده به حساب می‌آیند. در همین راستا است که اشتراکات در امور جسمی میان انسان با سایر موجودات بسیار بیش‌تر از شباهت‌ها و اشتراکات میان امور قلبی و ذهنی او با آنهاست. بدین معنا که در زمینه امور قلبی میان انسان با سایر مخلوقات این جهان به ندرت تشابهاتی را می‌توان برشمرد و اشتراکات در امور ذهنی بسیار محدود و منحصر به فردند. در حالی که امور جسمی و تغییرات جسم انسانی جز در مواردی محدود و مشخص، با حیوانات مشترک و مشابه است؛ به خصوص اگر او طریق غیر الهی را گزیده و تغییرات روحی و ذهنی خویش را تابع تغییرات جسمی خود قرار داده باشد.

بنابراین، زمانی که تغییرات جسمی انسان بررسی می‌شود و از رشد و ضعف نیروی عضلانی وی سخن به میان می‌آید، از آن رو که این تغییرات نوعاً غیر ارادی و به اقتضای امور تکوینی صورت می‌گیرد، لذا دست‌آورد مفید و تکیه گاه مناسبی در معرفی انسان به عنوان مخلوقی متمایز از سایر موجودات به دست نمی‌دهد. اما آنگاه که تغییرات و تأثیر و تأثرات قلبی و ذهنی او مورد بررسی واقع شود، انسان را دارای ویژگی‌ها و خصوصیات ممتازی می‌یابیم که سایر موجودات یا به کلی از آن محروم‌اند یا جز در حدی بسیار اندک بهره‌ای از آن ندارند و لذا می‌توان گفت که شخصیت انسان را باید عمدتاً در خصوصیات قلبی و ذهنی او جست‌وجو نمود تا در ویژگی‌های جسمی وی و به تعبیر دیگر، تغییرات جسم موجب پیدایش ضعف یا قوت در شخص انسان می‌شود و این تغییر بر قوای روحی و فکری او به نسبتی محدود تأثیر می‌گذارد ولی هرگز شخصیت و انسانیت او را مورد خدشه قرار نمی‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ش، ج ۱: ۲۸-۲۳). نظریات در باب تکامل شخصیت انسان از منظر قرآن با توجه به ابعاد وجودی و نظام رفتاری انسان، و اصیل شمردن هر بعد و تأکید بر رشد و کمال انسان، چهار نظریه در باب تکامل انسان مطرح شده است:

الف. تکامل قلبی: گروهی از انسان‌شناسان با محور قرار دادن قلب و بعد روحی انسان، رشد و تکامل برای انسان را در تکامل روحی و روانی او خلاصه کرده‌اند و تکامل و رشد انسان در سایر ابعاد را قابل منحل شدن در این بخش می‌دانند. طرفداران این

نظریه، عمدتاً عرفا و متصوفه و اشراقیون هستند. اینان معتقدند هر کس باید به صورت فردی راه کمال را بی‌ماید و نادرستی آن را پیدا کند؛ به عبارت دیگر یافت و دریافت قلبی و درونی ملاک درک است و روش رسیدن به حقایق هم تهذیب نفس و اشراق می‌باشد. به همین دلیل گاهی از این نظریه تکامل به «تکامل عرفانی» هم تعبیر می‌گردد. مباحث عرفانی بر محور عشق و محبت دور می‌زند. از دید عرفا، عشق نه تنها انسان را به کمال می‌رساند، بلکه کمال عالم هستی و تک تک اجزای آن نیز مرهون عشق و جاذبه‌ای است که در آن‌ها نهفته است. عرفا جوهره انسان و «من» حقیقی هر کس را آن چیزی می‌دانند که از آن تعبیر به قلب یا دل می‌کنند. دل مرکز عشق، احساس و خواست انسان است، همانگونه که عقل مرکز اندیشه، تفکر و حساب‌گری است. عرفا، برای عقل ارزش زیادی قائل نیستند، به دل خیلی بها می‌دهند و عشقی که در این دل هست را مهم می‌شمارند. عشق عارف، عشقی است که اولاً: در انسان اوج می‌گیرد تا به خدا می‌رسد و معشوق حقیقی عارف فقط خداست. ثانیاً: عشقی که عارف می‌گوید منحصر به انسان نبوده و در همه موجودات، جریان دارد. اصلاً حقیقت، عشق است و آنچه غیر از عشق می‌بینی مجاز است (مصباح، ۱۳۹۴ش، ج ۱: ۲۸-۲۳).

ب. تکامل عملی: گروهی دیگر از نظریه‌پردازان و انسان‌شناسان با محور قرار دادن حس و جسم و بُعد ظاهری و فیزیکی و مادی انسان، رشد و کمال او را هم محصور در ابعاد ظاهری می‌دانند. در این نظریه این حواس هستند که از جمله ابعاد اصلی و ذاتی انسان تلقی شده و ابعاد عقلی و روحی به تبع آن شکل می‌گیرند و ماهیت خود را مدیون حواس و عمل متناسب با آن‌ها هستند (همو، ج ۲۳: ۱-۲۸).

طرفداران این نظریه عمدتاً دانشمندان علوم تجربی و یا حسّیون می‌باشند. کسانی که در پیش فرض خود در مورد جهان هستی، وجود را منحصر به ماده می‌دانند، به انسان هم که می‌رسند، جز ماده و احیاناً ماده‌ای پیچیده از انسان تصور دیگری ندارند. به همین دلیل، کمالی که برای انسان ترسیم می‌کنند. در نهایت پیمودن مراحل مختلف ماده و رسیدن به مراتب پیچیده آن است؛ در حالی که در تکامل قلبی و عقلی، پیش فرض طرفداران، مخلوق بودن هستی و انسان و نیز دو بُعدی بودن (جسم و روح) انسان است. بر اساس این نظریه، انسان‌ها حواس خود را به کار گرفته و دست به اقدام و عمل

می‌زنند و همین عمل زیربنای تکامل آن‌ها قرار می‌گیرد. اگر انسان‌ها دست به کاری نمی‌زدند، نه تنها به شناختی نمی‌رسیدند، بلکه قادر به زندگی هم نبودند. انسان در تجارب روزانه خود هرچه را که برایش در مبارزه علیه طبیعت ضروری بوده، فرا گرفته است و در جریان عمل است که با پدیده‌های پیرامون خود روبه‌رو می‌شود و به تدریج به سر منزل شناخت و تکامل راه می‌یابد.

ج. تکامل عقلی: گروهی دیگر از نظریه‌پردازان و انسان‌شناسان با محور قرار دادن عقل و بُعد ذهنی انسان، رشد و کمال برای انسان را در تکامل عقل و اندیشه او جست‌وجو می‌کنند. طرفداران این نظریه عمدتاً فلاسفه و حکما هستند. اینان معتقدند که رشد و توسعه وجودی انسان، در توسعه و تکامل قوه عاقله و اندیشه اوست. به همین دلیل گاهی از این نظریه به «تکامل فلسفی» هم تعبیر می‌گردد (همو، ج ۲۳: ۱-۲۸). نگاهی که فلاسفه به کمال دارند بی‌ارتباط با سایر نظرات و دیدگاه‌های‌شان نیست. آن‌ها کمال را همانگونه معنا می‌کنند که انسان و حقیقت انسان را معنا کرده‌اند. حقیقت انسان از نظر فلاسفه، عقل و قوه عقلانی اوست؛ یعنی نیرویی که انسان به وسیله آن می‌اندیشد و حقائق جهان هستی را درک می‌کند. به این منظور کمال انسان نیز به کمال همین قوه و نحوه تغییراتی است که در حوزه فکر و اندیشه صورت می‌گیرد (همو، ج ۲۳: ۱-۲۸).

د. تکامل ولایی: نظریه تکامل ولایی، ضمن نقد سه نظریه قبلی و به ویژه با توجه به اینکه هر یک از این‌ها، در واقع تکامل انسان را از یک بُعد دیده و سایر ابعاد را مغفول عنه قرار داده‌اند، تلاش بر آن دارد که نظریه‌ای ارائه دهد که در عین پوشاندن نارسایی‌های نظریات پیشین، نقاط قوت آن‌ها را هم داشته باشد (همو، ج ۲۳: ۱-۲۸).

نتیجه بحث

در این پژوهش، نقش مؤثر تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت انسان از منظر آموزه‌های قرآنی مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه سه منبع اساسی در تربیت ارزش‌های اخلاقی شناسایی شد. که نشانگر توجه ظریف قرآن کریم به تفاوت درجات و آمادگی‌های انسان‌هاست. تأمل در مباحث تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی

کمالات شخصیت انسان از منظر آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد که: تربیت ارزش‌های اخلاقی انسان بسته به تفاوت‌های فردی، دارای منشأ مختلفی است. منابع تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت انسان متفاوت است و دارای سطوح و رتبه‌بندی هستند.

یک منبع مهم و قدرتمند تربیت ارزش‌های اخلاقی، شخصیت و منش تقوا است و بنا بر ماهیت تشریحی خود، در تمامی مراتب رشد و تکامل اخلاقی می‌تواند شکل گرفته و فرد را همراهی نماید. تربیت ارزش‌های اخلاقی پایه به دلیل تزامم شدید رفتار، به تنهایی برای پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی کفایت نکرده و ضمانت اجرایی ندارد. همه انسان‌ها حتی غیر دینداران نیز بنا بر سرشت اولیه خویش از برخی منابع تربیت ارزش‌های اخلاقی پایه و حداقلی به الگوها و تمایل به مقبولیت اجتماعی، برای اخلاق‌ورزی برخوردارند.

مبانی تربیت اخلاقی به معنی امکانات، ضرورت‌ها و موقعیت حیات انسانی در حوزه تربیت ارزش‌های اخلاقی است و شیوه‌ها به معنای راهکارها و پیش‌فرض‌هایی است که با توجه به مبانی، برای رسیدن به اهداف اتخاذ می‌شوند. علامه طباطبایی در کتاب تفسیر «المیزان» بیان می‌نماید که هدف‌های تربیت ارزش‌های اخلاقی می‌تواند به انگیزه قوانین اجتماعی یا مورد پسند مردم واقع شدن باشد، همانطور که صاحب‌نظران غربی عموماً همین اهداف را در تشویق به اخلاق در نظر دارند یا به انگیزه‌رهایی از عذاب اخروی و رسیدن به نعمت‌های بهشتی باشد همانگونه که ادیان گذشته به آن تأکید دارند. اما روش قرآن کریم با این دو گروه تفاوت دارد. قرآن کریم همه آموزه‌های خود را حول محور «توحید» بیان می‌کند و انگیزه تربیت ارزش‌های اخلاقی را، حبّ معبود و رسیدن به قرب و نزدیکی به او بیان می‌کند. علامه طباطبایی، مبانی و اصول تربیت ارزش‌های اخلاقی در قرآن را توحید، فطرت، هدفدار بودن، اختیار و قوه معرفت‌پذیری انسان می‌داند. البته مهم‌ترین مبنا را «توحید» معرفی کرده است که سایر مبانی حول آن می‌چرخد. شناخت توحید، نگرش موحد را نسبت به خود و خداوند تغییر می‌دهد؛ نقص‌های او را یادآور شده و تنها رفع‌کننده کمبودها و نیازها را خداوند می‌داند. میل‌های فطری او نظیر میل به قدرت، علم، کمال و حقیقت، عزّت و احترام، حبّ ذات، پرستش

موجود برتر و...؛ اگر در کنار شناخت توحیدی قرار بگیرد، بهترین منبع حمایت‌کننده فرد در تربیت درست ارزش‌های اخلاقی محسوب می‌شود.

از جمله اینکه برنامه‌ریزان، والدین و مربیان در درجه اول، خود الگو و اسوه فضائل اخلاق برای کودکان و نوجوانان باشند، ایمان و حب عبودی را در آنها پرورش دهند و از وابسته نمودن ایشان به منابع تربیت ارزش‌های اخلاقی اجتناب ورزند. امید است که این پژوهش گامی مفید در جهت روشن نمودن ملاحظات تربیت ارزش‌های اخلاقی بر تجلی کمالات شخصیت انسان از منظر آموزه‌های قرآنی به مباحث تربیتی و اخلاقی در خانواده باشد.



کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۰۸ش، **لسان العرب**، الطبعة الاولى، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسماعیلی، رضا. ۱۳۷۹ش، **بررسی اوضاع و ویژگی‌های فرهنگ عمومی اصفهان (گزارش تحقیق)**، اصفهان: انتشارات اداره کل دبیرخانه فرهنگ عمومی اصفهان.
- اعرافی، علیرضا. ۱۳۸۱ش، **کلیات فقه التریبیه**، ج ۱، قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- توماس، ل. ۱۳۸۴ش، **روان‌شناسی اخلاق**، مجموعه مقالات جستارهایی در روان‌شناسی اخلاق، ترجمه منصور نصیری، قم: نشر معارف.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۷ش، **تفسیر انسان به انسان**، چاپ سوم، قم: نشر اسراء.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **لغتنامه**، ج ۵، ۴، ۱، ۲، ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی. ۱۳۸۰ش، **اخلاق اسلامی**، قم: انتشارات دفتر نشر اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۰۴ق، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، بیروت: دار الکتب العربی.
- سرمد، زهره، علی بازرگان و الهه حجازی. ۱۳۷۶ش، **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، تهران: انتشارات آگاه.
- شریفی، حسن پاشا و نسترن شریفی. ۱۳۸۳ش، **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، تهران: انتشارات سخن.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **تفسیر المیزان**، جلد‌های ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹ و ۲۰، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عباس نژاد، محسن و حمید فغفور مغربی. ۱۳۸۴ش، **قرآن و علوم طبیعی**، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- مصباح، محمدتقی. ۱۳۷۷ش، **اخلاق در قرآن**، جلد ۱، نگارش محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مصباح، محمدتقی. ۱۳۹۴ش، **فلسفه اخلاق**، چاپ سوم قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۴ش، **عدل الهی**، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۱ش، **مجموعه آثار**، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۵ش، **آشنایی با قرآن**، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۲ش، **انسان کامل**، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **پیام امام**، چاپ سوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کتب انگلیسی

- Blasi, A. 1980m, Bridging moral cognition and moral action: A critical review of the literature, *Psychological Bulletin*, 88, pp. 1-45.
- Thoma, S. J. 1994m, Moral judgment and moral action. In: J. R. Rest & D. Narvaez.
- Noddings, N. 1995 M, *philosophy of Education*, Colorado: Westview Press.
- Noddings, N. 1992 M, *The Challenge to Care in Schools*, New York: Teachers College Press.

مقالات و پایان نامه‌ها

- بیات، فریبرز. ۱۳۷۲ش، «تأثیر عام‌گرایی بر اخلاق»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- رزاقی، هادی. ۱۳۷۷ش، «انگیزش در اخلاق از دیدگاه قرآن کریم»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- روزبه، فهیمه، عزت‌الله نادری و مریم سیف‌نراقی. ۱۳۹۸ش، «الگوی مطلوب برنامه درسی «کتاب آیین زندگی» (با تأکید بر مهارت‌های شهروند جهانی دینی)»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۹، صص ۳۵-۵۱.
- شمخی، مینا. ۱۳۹۴ش، «تأثیر تربیت قرآنی بر تبلور کمال انسانی»، مجله آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، پاییز و زمستان، شماره ۲، صص ۵۹ تا ۷۶.
- طالبی، ابوتراب. ۱۳۸۰ش، «بررسی تعارض بین ارزش‌های اخلاقی مذهبی و کنش‌های اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستان‌های منطقه ۳ و ۵ تهران»، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- علیپور و نیک‌صفت. ۱۳۹۰ش، «روان‌شناسی کمال قرآن»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- مهدوی نژاد، محمد حسین. ۱۳۹۱ش، «تحلیلی فلسفی از مبنای انسان‌شناختی و انگیزش اخلاقی در اندیشه علامه طباطبایی»، حکمت صدرایی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۸-۹۵.

Bibliography

- The Holy Quran.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1408, Arabic Language, First Edition, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Ismaili, Reza 2000, A Survey of the Situation and Characteristics of Isfahan Public Culture (Research Report), Isfahan: Publications of the General Secretariat of Isfahan Public Culture.

Erafi, Alireza 2002, Generalities of Educational Jurisprudence, Vol. 1, Qom: Publications of the Research Institute and the University.

Thomas, L. ; 2005, Psychology of Ethics, a collection of essays on the psychology of ethics, translated by Mansour Nasiri, Qom: Maaref Publishing.

Javadi Amoli, Abdullah 2008, Interpretation of man to man, third edition, Qom: Nashr-e Esra'. Dekhoda, Ali Akbar. 1998, Dictionary, Volumes 3, 2, 1, 4, 5, Tehran: Tehran University Press. Dailami, Ahmad and Massoud Azarbayjani. 2001, Islamic Ethics, Qom: Islamic Publishing Office Publications.

Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. 1404 AH, Dictionary of Quranic Words, Beirut: Dar Al-Katib Al-Arabi.

Sarmad, Zohreh, Ali Bazargan and Elahe Hejazi. 1997, Research Methods in Behavioral Sciences, Tehran: Agah Publications.

Sharifi, Hassan Pasha and Nastaran Sharifi. 2004, Research Methods in Behavioral Sciences, Tehran: Sokhan Publications.

Tabatabai, Mohammad Hussein 1995, Tafsir Al-Mizan, Volumes 1, 3, 4, 5, 6, 7, 11, 12, 13, 14, 15, 17, 19 and 20, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office.

Abbas Nejad, Mohsen and Hamid Faghfour Maghrebi. 2005, Quran and Natural Sciences, Mashhad: Publication of Quranic Research Foundation of the seminary and university.

Mesbah, Mohammad Taqi 1998, Ethics in the Quran, Volume 1, Written by Mohammad Hossein Eskandari, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.

Mesbah, Mohammad Taqi 2015, Philosophy of Ethics, third edition of Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.

Motahari, Morteza 1985, Divine Justice, Tehran: Sadra Publications.

Motahari, Morteza 1992, Collection of Works, Tehran: Sadra Publications.

Motahari, Morteza 1996, Introduction to the Quran, Tehran: Sadra Publications.

Motahari, Morteza 2003, The Perfect Man, Tehran: Sadra Publications.

Makarem Shirazi, Nasser. 1995, Imam's message, third edition, Tehran: Islamic Bookstore.

English books

Blasi, A. 1980m, Bridging moral cognition and moral action: A critical review of the literature, Psychological Bulletin, 88, pp. 1-45.

Thoma, S. J. 1994m, Moral judgment and moral action. In: J. R. Rest & D. Narvaez.

Noddings, N. 1995 M, philosophy of Education, Corolado: Westview Press.

Noddings, N. 1992 M, The Challenge to Care in Schools, New York: Teachers College Press.

Articles and dissertations

Bayat, Fariborz. 1993, "The Impact of Generalism on Ethics", Master Thesis in Philosophy, Tehran: Shahid Beheshti University.

Razzaqi, Hadi. 1998, "Motivation in Ethics from the Perspective of the Holy Quran", M.Sc. Thesis, Qom: Imam Khomeini Educational-Research Institute.

Roosbeh, Fahimeh, Ezatullah Naderi and Maryam Seif Naraghi. 2019, "The ideal model of the curriculum of the" Book of the Rite of Life "(with emphasis on the skills of the world religious citizen)", Quarterly Journal of Quranic Studies, Eleventh Year, No. 42, Summer 1399, pp. 35-51. Shamkhi, Mina. 2015, "The effect of Quranic education on the crystallization of human perfection", Journal of Educational Teachings in Quran and Hadith, Autumn and Winter, No. 2, pp. 59-76.

Talebi, Aboutab. 2001, "Study of the conflict between religious moral values and social actions of high school students in Tehran's 3rd and 5th districts", PhD thesis in Sociology, Tehran: Tarbiat Modares University.

Alipour and Nik Sefat. 2011, "Psychology of Quranic perfection", Bi-Quarterly Journal of Islamic Studies and Psychology, Volume 5, Number 8, Spring and Summer 2011, pp. 111-132.

Mahdavi Nejad, Mohammad Hossein 2012, "Philosophical analysis of anthropological basis and moral motivation in the thought of Allameh Tabatabai", Hekmat Sadraei, Fall and Winter 2012, pp. 108-95.



**The role of educating moral values on the manifestation of human perfection
from the perspective of Quranic teachings**

Date of Received: April 3, 2020

Date of Acceptance: August 4, 2020

Leila Zamani Kokhalo

PhD Student, Department of Educational Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mojgan Sepah Mansour

Associate Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. drsepahmansour@yahoo.com

Khadije Abolmaali

Associate Professor, Department of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

Responsible author: Mojgan Sepah Mansour

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effective role of educating moral values on the manifestation of human personality perfection from the perspective of Quranic teachings. One of the important issues on the manifestation of human personality perfection in the country's educational system is the effective role of training moral competencies. The present study is a qualitative research and examines the variables of this research using a descriptive-analytical method. The results of the present study show that personality perfections from the perspective of Quranic teachings are not limited to inherent dignity and a person can increase it by approaching God and piety and acquire a higher value, and this value is an acquired value; But according to verses and hadiths, the basis of our treatment of others is good morals and preserving their inherent dignity. Adherence to the principles of education of moral values means the possibilities, necessities and position of human life in the field of education, and methods mean the strategies and assumptions that we adopt according to the principles to achieve great goals.

Keywords: education, good morals, dignity, training.